

**گفت‌وگوی «وطن امروز» با حسین امیرعبداللهیان، معاون سابق وزارت خارجه درباره ضرورت تغییرات در راهبردهای دیپلماتیک و تکیه دیپلماسی بر مبانی اقتدار**

# اگر برد موشک‌ها از تل آویو کمتر شود تهدید جنگ جدی می‌شود

**بهزاد مهر کش:** حسین امیرعبداللهیان، دیپلمات باسابقه ایرانی است. امیرعبداللهیان را بیشتر به سیاست‌های فعال او در منطقه به سبب حضور در معاونت عربی و آفریقای وزارت امور خارجه می‌شناسند. اگر چه بیش از ۲ سال است از وزارت امور خارجه کنار گذاشته شده اما هنوز هم به حسب سطح تأثیرگذاری در معادلات بین‌المللی، مقامات سیاسی کشورهای منطقه در جریان سفر به ایران، دیدار با عبداللهیان را از دست نمی‌دهند. به اعتقاد معاون سابق وزیر امور خارجه، دیپلماسی فعلی ما در منطقه به اندازه کافی فعال نیست. او همچنین تأکید دارد دوران دیپلماسی کلاسیک تمام شده و باید در مناسبات بین‌المللی اقتدار وارد شد.امیرعبداللهیان از تجربه کار خود با اروپایی‌ها و سیاست اتلاف وقت آنها نیز گفت؛ موضوعی که ناظر به برجام اروپایی مهم به نظر می‌رسد.

\*\*\*

■ **اخیرا آقای رئیس‌جمهور مواضع خوبی نسبت به تهدید نفتی از سوی آمریکا و حامیانش داشتند و سپس سردار سلیمانی نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتند که اعلام حمایت از مواضع ایشان بود؛ تحلیل شما از این نامه‌نگاری با توجه به مواضع اخیر رئیس‌جمهور چیست؟**

برای پاسخ به این سوال لازم است کمی به عقب برگردم؛ ۵-۶ سال پیش، نشست سران کشورهای عدم تعهد در تهران برگزار شد و آن زمان، اوج تحولات منطقه بود و برخی مقامات جهان عرب و حوزه بیداری اسلامی به تهران آمده بودند، مانند مسؤولان کشور مصر که با رهبر انقلاب اسلامی هم ملاقات داشتند در یکی از این ملاقات‌ها، رهبر معظم انقلاب به یکی از سران کشورها گفتند: من زمانی که جوان بودم و ۲۰ سال داشتم به عراق سفر کردم و آن موقع اوج شکل‌گیری اخوان‌المسلمین بود؛ خب! کنتراک بودم بدانم اندیشه‌های اخوان المسلمین چیست. تا اینکه کتاب اندیشه‌های سیدقطب را به من معرفی کردند و من این کتاب را به ایران آوردم و بعد از ترجمه، آن را مطالعه کردم و نکته‌ای که در این کتاب جلب توجه می‌کرد، عمق غرب‌بشاشی بود و نوسنده این کتاب، به طور دقیق غرب را شناخته بود و اهداف آنها را در قبال کشورهای عربی و اسلامی بخوبی معرفی کرده بود.

به عنوان یک کارشناس مسائل سیاسی و بین‌المللی می‌گویم صرف نظر از اینکه چه دولتی در ایران حاکم است، نتیجه تجربه‌های ما این است که در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی کشورمان، با هیچ طرفی تعارف نداریم و تصمیمی که نظام اتخاذ می‌کند در نهایت ساری و جاری می‌شود. سخنان اخیرى که آقای روحانی و سردار سلیمانی در قبال تهدیدات ترامپ داشتند، این پیام قوی را برسای طرف‌های مقابل در بحث امنیت ملی ایران مخابره کرد که دشمنان انقلاب اسلامی نباید دلخوش برخی صدهای ناهماهنگ در داخل ایران باشند و ما در بحث امنیت ملی، نظر مشترک داریم. طبیعت مردم‌سالاری ایران حکم می‌کند سلیقه‌های مختلف در امور سیاسی وجود

داشته باشد اما تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود، بر اساس دیدگاه کارشناسی است که به تأیید شورای عالی امنیت ملی و رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌رسد. ما وقتی از حاج قاسم سلیمانی صحبت می‌کنیم، ایشان یک نماد است و فقط چهره‌ای مختص ایرانیان نیست، بلکه به نمادی برای سایر کشورهای اسلامی نیز تبدیل شده است. در اوج بحران‌های منطقه‌ای، مدعی‌ترین کشورها وقتی در خصوص موضوعات سیاسی و امنیتی، نمایندگان‌شان به ایران سفر می‌کردند، یکی از درخواست‌های‌شان این بود که با سردار سلیمانی دیدار داشته باشند و بتوانند با فرمانده نیروی قدس یک عکس یادگاری بگیرند. اهمیت این موضوع، در این نکته نهفته است که وضعیت استراتژیک ایران در دهه‌های اخیر در منطقه و مدیریت بخشی از این استراتژی در حوزه مقاومت توسط سردار سلیمانی باعث شد گفتمان منطقه‌ای انقلاب اسلامی تاأم با عمل شود و باید بگویم امام خامنه‌ای، گفتمان انقلاب اسلامی را در بالاترین سطوح مطرح و به نحوی مدیریت کردند که این کار در عرصه منطقه‌ای و جهانی با عمل مواجه شد و همین موضوع برای‌مان ایجاد قدرت کرد. وقتی حرف از دستاوردهای هسته‌ای می‌زنیم، یعنی روی پیشرفت کشور متمرکز شدیم و در حوزه هسته‌ای و دفاع از مظلومان منطقه، مثل موضوع فلسطین و مقابله با رژیم منحوس صهیونیستی که امنیت ملی ما و منطقه را تهدید می‌کند، ایران در برترین جایگاه قرار دارد و مجموعه دستاوردها و نفوذ سازنده ایران در مرتبه باعث شده دشمنان منطقه نتوانند این قدرت برتر را تهدید کنند.

■ **شما قبول دارید ورود حاج قاسم و حمایت از تهدید نفتی رئیس‌جمهور، مساله را فراتر از منطقه می‌برد؟ به عبارت دیگر می‌توانیم بگویم پیام**

حاج قاسم یعنی پشتوانه و تضمین تهدید نفتی رئیس‌جمهور در مقابل هر تهدیدی در هر نقطه دنیا؟ من فکر می‌کنم ادبیات اخیر رئیس‌جمهور نیاز به پشتوانه امنیتی‌ها و نظامی‌های کشور دارد و سخنان دشمنان انقلاب اسلامی و تهدیدهای‌شان که می‌خواهند مشکلاتی پیش بیاورند، نیازمند یک پیوست قوی نظامی بود؛ قطعاً سخنان سردار سلیمانی بیمه‌کننده حرف‌های رئیس‌جمهور محسوب می‌شد. سردار سلیمانی در مواردی پیش آمده که پیام‌هایی را نسبت به رفتار نادرست آمریکایی‌ها در منطقه داده و پای حرفش در منطقه ایستاده و اقتدار خود را ثابت کرده است و اینکه سردار سلیمانی تضمین‌کننده و پیوست نظامی و امنیتی جوشش‌های رئیس‌جمهور می‌شود، یک نکته مهم است و به منزله این نیست که ما دنبال جنگ هستیم؛ کسانی که نگران این موضوع شدند، صورت مساله را بدرستی متوجه نشدند. من معتقدم ته‌ته‌نبايد نگران باشنيد، بلکه باید خوشحال باشنند حرفی که در سطح رئیس‌جمهور زده می‌شود، در سطح پشتیبانی، تضمین داخلی دارد. آمریکایی‌ها می‌دانند وقتی سردار سلیمانی از حسن روحانی حمایت می‌کند، چه پیام و مفهومی دارد.

■ **به نظر می‌رسد ادبیات تعامل با غرب، در حال کنار رفتن است و کسانی که این نگاه را داشتند نیز به اهمیت توجه به مقاومت در برابر فشار دشمن پی برده‌اند؛ از همین رو می‌توان گفت امریکا دیپلماسی بر قدرت منطقه‌ای ما تکیه کرده است.**

اینکه چند کشور مطرح دنیا حاضر شدند دور یک میز بنشینند و با چند ایرانی وارد مذاکره شوند که منجر به امضای سندی شود، اینها به دلیل درک آنها از چند مساله است؛ اول نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه، دوم توان دفاعی ایران و سوم گفتمان منطقه‌ای انقلاب اسلامی. در زمان اوج اشتغال عراق توسط آمریکایی‌ها، به اصرار مسؤولان عراقی از ایران، قرار شد کشورهایی همچون ایران، آمریکا و عراق مذاکره سه‌جانبه داشته باشند و آقای قمی آن زمان، مذاکره‌کننده ارشد ما بود و تیم عقبه‌ای هم در این مساله داشت. وقتی تیم قرار بود برای مذاکره برود، مهم‌ترین توصیه‌ای که رهبر معظم انقلاب کردند، به آنها داشتند، این بود که با حکمت، عقلانیت، تدبیر و از موضع اقتدار در مذاکره حاضر شوند. علاوه بر نفوذ منطقه‌ای و قدرت دفاعی، این گفتمان منطقه‌ای که توسط رهبری هدایت می‌شود، ابزاری است که برای ما تولید قدرت کرده و اینها بستر ساز مذاکرات هسته‌ای شد و اگر این عقبه را نداشته‌ایم، اصلا طرف مقابل حاضر به گفت‌وگو با ما نمی‌شد.

■ **ما امروز بیش از هر زمان دیگری به صراحت در کلام نیاز داریم؛ فکر نمی‌کنید در شرایط فعلی که دشمنان انقلاب اسلامی برای ما مدام خط و نشان می‌کشند وقت بازگشت به دوران اقتدارگرای است؟ به نظر تان در حوزه سیاست خارجی، در ادبیات گفتاری‌مان چقدر نیاز به اقتدار داریم؟ از نگاه بیرون، این‌فهم وجود دارد که در حوزه سیاست خارجی، مقام معظم رهبری در نگاه راهبردی به نظام بین‌الملل و شرایط منطقه، نقش خیلی موثر و تأثیرگذاری دارند اما اگر بخواهیم در حوزه اجرا صحبت کنیم، باید بگویم به عنوان مثال برای برجام وقت زیادی در وزارت امور خارجه گذاشتیم و برای برجام اروپایی نباید اینقدر وقت بگذاریم و نیاز است بر نقاط قوت خودمان در حوزه سیاست خارجی که یکی از اینها نفوذ منطقه‌ای ما است، تمرکز کنیم. وقتی از کشورهای تأثیرگذار و افکار عمومی و نخبگان راجع به ایران بپرسید، آنان اقتدار ایران در حوزه سیاست خارجی را بخوبی درک می‌کنند و خیلی‌ها به نگاه رهبری درباره ایستادگی ایشان در مقابل آمریکا غیظه می‌خورند.**

■ **نمونه‌ای از کارآمدی مواجهم مقتدر در دیپلماسی ذکر کنید.**
درباره مسائل منطقه، تجربه کار نزدیک با اروپایی‌ها را دارم و در دوره‌ای که آقای خاتمی رئیس‌جمهور بود، قرار شد در یک مقطعی که آقای خزازی وزیر امور خارجه بود، در ژنو مذاکراتی با موضوع تعلیق غنی‌سازی اورانیوم داشته باشیم و بنده هم حضور داشتم. اگر بخواهم از تجربه‌های مواجهم با اروپایی‌ها بگویم، تجربه‌ام مثبت نیست، چون اروپایی‌ها خیال‌شان راحت بود و اورانیوم ما تعلیق شده بود و آنها نشان دادند اهل کش دادن مساله هستند؛ خب! چیزی برای از دست دادن نداشتند و در آن برهه، واقعا اروپایی‌ها با زمان بازی کردند و زمان را سوزاندند. در عین حال، من در کار با اروپایی‌ها، تجربه مثبت هم دارم و نفی غرب در حوزه روابط خارجی را به نفع جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانم. اگر قرار باشد کار ما با اروپا یک‌فعل جدیدی با برجام اروپایی بر دست و پای ما بزند، این به نفع ما نخواهد بود اما رابطه با اروپا را قد و قواره خودش، خوب است؛ البته نباید انتظار زیادی از آنها داشته باشیم. وقتی مذاکرات برجام به نتیجه رسید، من نخستین کسی بودم که بحث‌های مذاکرات منطقه‌ای



را در بروکسل با خانم مگورینی داشتم و قرار بود ۱۵ دقیقه با وی تشریفاتی ملاقات کنم و ناهار و مذاکره با خانم اشمنیت باشد. موضوع درباره منطقه بود اما من وقتی به بروکسل رفتم، برنامه‌ریزی تغییر کرد و ۳ ساعت و نیم، مگورینی شخصاً در کنار نشست و با بنده مذاکره کرد و خانم اشمنیت کنار ایشان نشسته بود، چون می‌دانست نقطه قوت ایران در موضوعات منطقه‌ای و دفاعی است. همین اتفاق بعد از اینکه تماماً درگیر برجام بود و یک اتفاق مهم که در این باره رخ داده بود، سعودی‌ها احساس می‌کردند هر نوع توافقی که میان ایران و این کشورها شکل بگیرد، آنها مجبور به تابعیت از آن هستند و سعودی‌ها نمی‌توانستند این حقیقت را تحمل کنند و برخی ملاقات‌های خصوصی آقای ظریف و جان کری که با موضوع هسته‌ای بود، این تگرانی را برای سعودی‌ها به وجود آورده بود که شاید مذاکرات این ۲ کشور بر سر مسائل منطقه‌ای است و بیم این موضوع برای‌شان وجود داشت که نقش سعودی‌ها در مسائل منطقه‌ای کم‌رنگ شود. سالیان دراز است که عربستان سعودی، رقابت دیرینه‌ای با ایران دارد و این‌س موضوعات برای‌شان اهمیت زیادی دارد.

■ **یعنی عربستان نگران برجام نبود؟**
عربستان نگران این بود که بین ایران و آمریکا یک توافقی شود که نتیجه آن کم‌رنگ شدن نقش عربستان در منطقه باشد. بهتر است برگردیم به برجام مساله اصلی خود آمریکایی‌ها هم نبود؛ مساله آنها اختلاف ما اختلاف ایرانی-سعودی است.

■ **این غیر قابل‌کتمان است که امروز در دستگاه دیپلماسی نقص بزرگی به نام اقتدار داریم؛ خب! چه کاری باید انجام داد؟**
این در حالی است که ما در کلان مشخص است اما ما در حوزه اجرایی، مشکل داریم و نمی‌توانیم اقتدارمان را در حوزه دیپلماسی بروز دهیم.

جداز نگاه دولت‌ها، همیشه در ایران چند نوع نگاه به این مساله وجود دارد؛ برخی نگاه‌شان به غرب، فراتر از ظرفیت غرب است و برخی نگاه‌شان به شرق است و برخی نگاه‌شان به غرب و شرق است. منطقی است ولی به اعتقاد بنده، ما در حوزه تأمین حداکثری منافع ملی و امنیت ملی، باید ببینیم نقاط قوت ما از نظر جغرافیای سیاسی و بین‌المللی کجاست. گاهی اوقات پیشینه و تکرر برخی آدم‌ها در عرصه اجرا تأثیر دارد و اینکه بررسی شود سوابق افراد به کجا برمی‌گردد؛ آقای ظریف علاقه داشت در مسائل منطقه‌ای تحول ایجاد شود. این رویکرد را آقای صالحی به گونه دیگری داشت؛ خب! ۱۳ سال در عراق زندگی کرده بود و متولد عراق است، تحصیلاتش را هم تا کارشناسی در لبنان طی کرده. آقای صالحی وقتی در حوزه منطقه می‌خواست اقدامی کند با این تاریخچه بود و این بر خروجی کار دیپلماسی اثر می‌گذاشت. آقای ظریف به مسائل منطقه توجه داشت، تجربه مذاکره در زمان قطعنامه ۵۹۸ را داشت و به مسائل جنگ هم واقف بود اما در عین حال یک شناخت متفاوتی هم نسبت به کار غرب و کار با آمریکا داشت. ما همیشه با آقای ظریف مباحثه داشتیم که آیا می‌شود به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؟ صادقانه بگویم آقای ظریف روز ۲ موضوع تکیه داشت؛ نخست اینکه می‌گفت آمریکایی‌ها خیلی آدم‌های فوق‌العاده‌ای نیستند، برخلاف آنکه خیلی‌ها تصور می‌کنند. دوم همیشه

را بگویند و اینکه آیا انتخاب دستیار می‌تواند پاس‌نگوی نیازهای منطقه‌ای ما باشد؟

مایل نیستم درباره ساختار خیلی حرف بزنم، چون اکنون داخل سیستم نیستیم اما این مد شده که هر وزیر می‌آید یا ساختار را اصلاح می‌کند یا تغییراتی را بسا نگاه خودش و تیم کاری‌اش ایجاد می‌کند و توجهات همه هم تقریباً مشترک است؛ تحت عنوان چابک‌سازی سیستم، استفاده مطلوب از ظرفیت‌ها و کارآمد کردن سیستم کاری. توصیه می‌کنم حتماً این سوال را از دوستان وزارت امور خارجه و خود آقای ظریف بپرسید. اما در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای‌مان، اگر دیروز تعریف ما از بحران‌ها این بود که به نقطه جوش رسیده است، الان وضعیت در منطقه به گونه‌ای است که از طریق توافقات سیاسی، به سمت یک آرامش نسبی در حال سوق پیدا کردن است. اگر تا دیروز نقش سردار سلیمانی در حوزه میدانی بسیار قوی بود، امروز برای تثبیت دستاوردهای میدانی در منطقه، نقش دستگاه دیپلماسی بسیار مهم است. اگر تا دیروز مدافعان حرم در قالب نیروهای مستشاری در عراق و سوریه، حضور خیلی فعالی داشتند، الان تحرک دیپلماتیک برای تثبیت آن دستاوردها مهم است و در پروسه راه‌حل‌های سیاسی نقش‌آفرینی فعالی باید داشته باشد؛ همان‌طور که در میدان توانستیم مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار شویم. ایران در تحولات عراق، مهم‌ترین نقش‌آفرین بود. آمریکایی‌ها با همه ادعاهای‌شان و دردرهایی که در عراق و افغانستان ایجاد کردند، هنوز سیاست‌های‌شان مبتنی بر از‌مون و خطاست. موثرترین بازیگر بیرونی در تحولات عراق، جمهوری اسلامی ایران است و البته نمی‌توانیم نقش روحانیت و مسؤولان عراق را هم نادیده بگیریم اما در موضوع سوریه، اگر از آقای بشار اسد هم بپرسید، او جواب قاطعی درباره نقش ایران در تحولات منطقه می‌دهد. در دیدار اخیرى که ۸-۷ ماه پیش با آقای بشار اسد داشتم، موقع خداحافظی به بنده گفت:

سلام مرا به امام خامنه‌ای برسانید و بگویند اگر امروز هر چیزی در سوریه داریم، مدیون شمامت و دوست دارم در نخستین فرصت به ایران سفر کنم و از طرف مردم سوریه، از ایشان تشکر کنم. ببینید! روسیه نقش داشت، در کنار ما بود و همچنان هم در کنار ما قرار دارد اما بالاخره آقای بشار اسد هم می‌فهمد در چه بازه زمانی ایران به عنوان مستشار نظامی وارد سوریه شد، نقطه شروع و تداوم آن چگونه بود و دیگر بازیگران چه کردند. در تحولات منطقه در حوزه میدانی، ما جزو یکی از بازیگران موثر بودیم و این برای ما تولید قدرت در منطقه کرده است و تثبیت این قدرت‌های میدانی که به نفع مسلمانان و همسایگان ما محسوب می‌شود، نیازمند دیپلماسی

به مراتب فعال‌تر از دیپلماسی کنونی است و در منطقه باید به صورت ویژه‌تر وارد شویم. در همین تغییر ساختار وزارت امور خارجه، یکی از ایت‌م‌های مدنظر آقای ظریف این بود که در موضوع منطقه، یک دستیار ویژه داشته باشد که مسائل منطقه را در تراز خودش بررسی کند اما به اعتقاد بنده، تحولات و پیچیدگی‌های منطقه جایگاه برتری را در این موضوع می‌طلبد و تمرکز بیشتر و ساختار چاق و چلتر به لحاظ محتوا اما نه خودمه می‌خواهد تا بتوان آن دستاوردها را تثبیت کرد.

■ **در حال حاضر، نیاز داریم در حوزه سیاست خارجی به حوزه دیپلماسی مقتدرانه برگردیم؟**

نحوه بسازی بازیگران خارجی بویژه مثلث عربستان، آمریکا و اسرائیل که فشارهای همه‌جانبه‌ای را به ایران در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای وارد می‌کنند، گویسای این است قواعد حاکم بر دیپلماسی کلاسیک امروز پاس‌نگوی نیازهای کشور نیست. سیاست آقای ترامپ، اتخاذ دیپلماسی تهاجمی است که من می‌گویم دیپلماسی تهاجمی را نباید همین‌گونه جواب داد، من به عنوان کارشناس مطرح می‌کنم که آمریکایی‌ها تا تمام سلاح‌های عراق را نابود نکردند و نقش‌شان در بحث امنیت ملی یک موشک با برد ۲ کیلومتر هم ندارد، حتی نکردند به عراق حمله کنند. آمریکایی‌ها وقتی به افغانستان حمله کردند که فهمیدند در این کشور فقط سلاح کلاش‌نیکف وجود دارد. تصور اینکه عربستان سعودی در قد و قواره‌ای باشد که به ایران حمله کند، برای دشمنان انقلاب اسلامی رویایی است، چرا که سعودی‌ها در جنگ یمن، اگر یک دقیقه آمریکا از آنان حمایت کنند، سریع آتش‌بس اعلام می‌کنند. دیپلماسی تهاجمی ترامپ را باید با دیپلماسی مقتدرانه هوشمند نامتقارن جواب داد، نه با دیپلماسی کلاسیک و از این قواعد باید خارج شد. باید دیپلماسی ما اقتدر حکیمانه و چابک باشد که دیپلماسی تهاجمی ترامپ را متلاشی کند و هر روز صبح که ترامپ از خواب بیدار می‌شود، به جای توئیٲ، دس‌چار سرگیجه سیاسی شود.